

تحلیل گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم

حسن مجیدی^۱ - محسن رحیمی‌نیا^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۳ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۴

چکیده

این می‌کوشد اشاره به زمینه‌های انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم، به بررسی گفتمان انتخاباتی حسن روحانی به منزله نامزد پیروز انتخابات بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که چگونه با روش تحلیل گفتمان، نحوه هژمونیک شدن گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم تبیین می‌شود؟ مدعای مقاله آن است که مؤلفه‌های گفتمانی نامزد پیروز در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بیشتر بر اساس تنوع مفصل‌بندی از دال‌های مختلف، اسطوره‌سازی و غیریت‌سازی در رابطه‌اش گفتمان حاکم بر دولت دهم، دسترسی و اعتبار بیشتر گفتمان اعتدال در جامعه و برخورداری از سوژگی سیاسی قابل تحلیل است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد گفتمان اعتدال در تنازع گفتمانی به دلیل برخورداری از موقعیت سوژگی سیاسی، فعال‌تر و منسجم‌تر، به کارگیری فرایند حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی، میزان دسترسی مؤثر و اعتبار بیشتر نسبت به سایر گفتمان‌های رقیب، هژمونیک شده است.

واژگان کلیدی: گفتمان، گفتمان اعتدال، حسن روحانی، انتخابات ریاست جمهوری یازدهم.

مقدمه

انتخابات عرصه‌ای است که میزان اقبال و رواج گفتمان‌های سیاسی در کشور را نشان می‌دهد. در دوره‌های انتخابات گذشته ایران، نوعی مبارزه گفتمانی جریان داشته است و فضای سیاسی و اجتماعی متحول جامعه ایران، نوسان در مطالبات و گرایش‌های مردم، تغییر در فضای سیاسی جهانی و به خصوص قضاوت و برداشت مردم از گفتمان سیاسی حاکم به پیروزی یک گفتمان و به حاشیه رفتن گفتمان‌های رقیب منجر می‌شده است و در نهایت، الگوی گفتمانی پیروز، انباشته‌ای از مفاهیم تازه، مرزبندی جدید و ترسیم‌کننده افق‌های تازه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خواهد بود. با انتخابات یازدهم ریاست جمهوری و پیروزی حسن روحانی، پرسش‌های زیادی درباره چگونگی پیروزی گفتمان اعتدال مطرح شد. این مقاله درصدد است به تحلیل چگونگی پیروزی گفتمانی پردازد که روحانی بازنمای آن بود. همچنین فضای سیاسی منتهی به انتخابات دوره یازدهم، تمایلات و مطالبات مردم در فضای حاکم بر تبلیغات دوره یازدهم و تبیین رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری دوره یازدهم با روش تحلیل گفتمان از دیگر اهداف این پژوهش محسوب می‌شود.

تحلیل گفتمان لاکلا و موف

در سال‌های اخیر، نظریه گفتمان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی کاربرد وسیعی داشته است. شاید بتوان مهم‌ترین دلیل رشد این نظریه را نارضایتی از پوزیتیویسم، به‌خصوص در رشته‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی دانست. رشد این نظریه، همچنین تحت تأثیر چرخش زبانی در دهه ۱۹۷۰ و نظریه‌های هرمنوتیک و انتقادی و پساساختارگرایی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قرار داشته است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۲). لاکلا و موف از جمله نظریه‌پردازان نظریه گفتمان هستند که از سنت‌های نظری مختلفی برای طرح و تدوین نظریه خود بهره برده‌اند. بهره‌گیری از این سنت‌های نظری گوناگون، باعث قرائت‌های متفاوتی از این نظریه شده است. برخی به مانند هوارث، لاکلا و موفه را «پسامارکسیست» (Howarth, 2000: 101) معرفی می‌کند. «پسامارکسیست‌های سوسیالیست عنوان دیگری است که توسط گیبینز و ریمر به این دو نظریه‌پرداز داده شده است (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۴: ۵۳). البته، همان‌طور که یورگنسن و فیلیس عنوان می‌کنند، لاکلا و موفه دو سنت نظری مارکسیسم و ساختارگرایی را در چارچوب نظریه پساساختارگرا ترکیب نمودند (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۵۴) و با درهم آمیختن این سنت‌های نظری، نظریه گفتمانی را پروراندند که تمام عرصه‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد.

لاکلا و موف در طرح نظری خود تلاش دارند نشان دهند چگونه گفتمان‌ها معنای نشانه‌ها را تثبیت می‌کنند. بر این اساس، آنها منظومه‌ای از مفاهیم را در نظریه گفتمان خود طرح می‌کنند که ابزاری کارآمد برای فهم کشمکش گفتمان‌ها بر سر تثبیت معنا، در تمامی سطوح امر اجتماعی، را در اختیار تحلیلگران گفتمان قرار می‌دهد. منظومه مفهومی صورت‌بندی شده به وسیله این دو نظریه پرداز، امکان فهم چگونگی تکوین گفتمان را فراهم می‌کند. گستردگی و ابهام در مفهوم گفتمان به ارائه تعاریف مختلف از آن منجر شده است. فوکو در کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» در تعریف گفتمان می‌گوید: «مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترکی باشند؛ گفتمان می‌نامیم. گفتمان متشکل از تعداد محدودی از احکام است که می‌توان برای آنها مجموعه‌ای از شرایط وجودی را تعریف کرد (Foucault, 1989: 117). در دیدگاه فرکلاف «گفتمان عبارت است از به کارگیری زبان به منزله امور اجتماعی و بنابراین، این تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل و کیفیت کارکرد متن در بستر اجتماعی و فرهنگی آن است» (Fairclough, 1995: 7). ون دایک نیز گفتمان را این گونه تعریف می‌کند: «گفتمان هم صورتی خاص از کاربرد زبان است و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی؛ گفتمان یک رویداد ارتباطی کامل در یک وضعیت اجتماعی است» (Van dijk, 1989: 166).

همچنین لاکلا و موف مفهوم گفتمان خود را از فوکو وام گرفته‌اند. گفتمان در اینجا نظام معنایی بزرگ‌تر از زبان است و هر گفتمان بخش‌هایی از حوزه اجتماع را در سیطره خود گرفته و به واسطه در اختیار گرفتن ذهن سوژه‌ها، به گفتارها و رفتارهای فردی و اجتماعی آنها شکل می‌دهد. لاکلا و موف همچنین مفهوم قدرت فوکو را نیز وارد نظریه گفتمان خود کردند و به این ترتیب، به گفتمان نیرویی پیش‌راننده بخشیدند؛ اما به نظر می‌رسد آنها به جای «حکم» فوکو از «نشانه» سوسور برای توضیح ساختار گفتمان استفاده کردند؛ بنابراین گفتمان از نظر لاکلا و موف نه مجموعه‌ای از احکام، بلکه مجموعه‌ای از نشانه‌هاست. مفهوم صورت‌بندی گفتمانی فوکو نیز قابل قیاس با مفهوم «مفصل‌بندی» در نظریه گفتمان لاکلا و موف است؛ چراکه مفصل‌بندی فرآیندی است که به واسطه آن، نشانه‌ها با هم جوش می‌خورند و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۸۲). همین جابه‌جایی به ظاهر کوچک و استفاده از «نشانه» به جای «حکم»، به این نظریه انعطاف‌پذیری فوق‌العاده‌ای بخشیده است.

از نظر لاکلا و موف، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود

دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند (لاکلا، ۱۳۷۹: ۲۶). همان‌طور که هوارث می‌گوید: برداشتی که لاکلا و موف از گفتمان دارند مؤید شخصیت رابطه‌ای^۱ هویت است. معنای اجتماعی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به بافت کلی‌ای که این‌ها خود بخشی از آن هستند می‌توان فهمید. هر معنایی را تنها با توجه به عمل کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی [که آن عمل در آن قرار دارد] باید شناخت (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۲). در این صورت، جهان اجتماعی تنها در قالب گفتمان، فهمیدنی است و خارج از قلمرو گفتمان هیچ حقیقت بنیادین و فهم‌شدنی وجود ندارد. این، گفتمان‌ها هستند که گزاره‌های درست و نادرست را تولید می‌کنند و عاملان اجتماعی را وامی‌دارند تا بر اساس این گزاره‌ها عمل کنند. در نهایت، باید گفت نظریه لاکلا و موف در زمینه گفتمان، کاربردی‌ترین نظریه این حوزه است؛ زیرا «آنچه تحلیل گفتمانی لاکلا و موف را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است» (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۴).

کلیت ساختاردهی شده‌ای که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان نام دارد. گفتمان‌ها از مجموعه‌ای از اصطلاحات تشکیل می‌شوند که به شیوه‌ای معنادار به هم مرتبط شده‌اند. در واقع، گفتمان‌ها صورت‌بندی مجموعه‌ای نظیر کدها، اشیا و افراد هستند که پیرامون یک دال کلیدی جایابی می‌شوند و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از غیریت‌ها به دست می‌آورند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند؛ بنابراین معنا و فهم انسان از واقعیت همواره گفتمانی و لذا نسبی است. همچنین گفتمان از این منظر تمام قلمرو زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد (Laclau and Mouffe, 2002: 139).

مفاهیم اصلی تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان متشکل از شمار زیادی مفاهیم متکثر و البته درهم پیچیده است. مفاهیم واقع در این نظریه به هم مرتبط‌اند که فهم دقیق شاکله نظریه گفتمان و نیز سایر مفاهیم پیرامونی به فهم آن‌ها منوط است. هرچند این مفاهیم وجوه و پیچیدگی‌هایی دارند، ارتباطی شبکه‌ای و زنجیروار باهم داشته و دارند. سعی ما بر این است که مفاهیم عمده و یاری‌دهنده در فهم کلی نظریه لاکلا و موف، طرح و از ذکر سایر مفاهیم جانبی اجتناب شود.

دال و مدلول: دال‌ها، اشخاص، مفاهیم، عبارت و نمادهای انتزاعی و حقیقی هستند که در

چارچوب گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۱۳۶). در عمل مفصل‌بندی، تبدیل عناصر به دقیقه از طریق تثبیت نسبی معنا حول «دال مرکزی»^۱ میسر می‌شود. این مفهوم را لاکلا و موف از لاکان وام گرفته‌اند. دال مرکزی، نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌گیرند و مفصل‌بندی می‌شوند. گفتمان، منظومه‌ای منسجم است و دال برتر، هسته مرکزی آن و نیروی جاذبه هسته (دال) مرکزی، سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). همچنین دال‌های دیگر معنای خود را از ارتباط با دال مرکزی اخذ می‌کنند. در واقع، گفتمان‌های رقیب تلاش می‌کنند در کشمکشی دنباله‌دار معنای «دال‌های شناور» را حول دال مرکزی گفتمان‌شان تثبیت کنند و به شیوه خاص خودشان معنا بخشند (Jorgenson, 2008: 28). هر گفتمان بر مبنای ساختار نظام معنایی خود، مدل‌سازگار با این نظام معنایی را برجسته می‌سازد و مدل‌های دیگر را به حاشیه می‌راند. لاکلا و موف، کلیه حالت‌های ممکن و «اضافه معنایی»^۲ را که گفتمان طرد می‌کند و به حاشیه می‌راند، «گفتمان‌گونگی» می‌نامند (لاکلا و موف، ۱۳۹۲: ۱۸۲). حوزه گفتمان‌گونگی عبارت است از محفظه‌ای از معانی اضافه و بالقوه در بیرون از منظومه گفتمانی خاص که توسط آن طرد شده‌اند و از طرف دیگر، مواد خامی برای مفصل‌بندی‌های جدید مهیا می‌کنند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

خصومت^۳ و غیریت^۴

فهم نظریه گفتمان بدون فهم مفاهیم «خصومت و غیریت» ناممکن است. خصومت در نظریه لاکلا و موف به امکانی و موقتی بودن و تصادفی بودن نهایی پدیده‌ها و گفتمان‌ها اشاره دارد. اگر خصومت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پس همه گفتمان‌ها خصولتی امکانی و موقتی دارند و هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند. همچنین گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هویت تمامی گفتمان‌ها، مشروط به وجود غیر است. از این‌رو گفتمان‌ها همواره در برابر خود، غیریت‌سازی می‌کنند. در نظریه گفتمان غیریت‌سازی یعنی مبارزه بر سر معنا؛ به‌طوری‌که هر گفتمانی تلاش می‌کند واقعیت را آن‌گونه که خود می‌خواهد بیان نماید (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۲۴) و در این شرایط است که میان گفتمان‌ها برای تثبیت مواضع خودشان با یکدیگر دچار تعارض و خصومت می‌شوند.

1. Nodal Point
2. Surplus of Meaning
3. Antagonism
4. Otherness

زنجیره هم‌ارزی و تفاوت: لاکلا و موف در نظریه خود برای توضیح اینکه گفتمان چگونه هویت جمعی را می‌سازد، از دو مفهوم زنجیره «هم‌ارزی و تفاوت» بهره می‌برند. گفتمان، نخست بر اساس زنجیره هم‌ارزی، افراد را با ویژگی‌ها و شخصیت‌های مشابه کنار هم قرار می‌دهد. عنصر دوم، بُعد سلبی یا زنجیره تفاوت‌هاست که بر اساس آن، گفتمان به افراد نشان می‌دهد چه کسانی نیستند و در تقابل با چه هویت‌هایی قرار دارند. در واقع، گفتمان با استفاده از زنجیره هم‌ارزی تلاش می‌کند تفاوت‌های درونی گروه را کمرنگ کند و از طرف دیگر، با بهره‌گیری از زنجیره تفاوت‌ها بر تمایزات و مرزهای موجود میان نیروهای موجود تأکید می‌کند و هویت خود را در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار دهد که به نظر می‌رسد تهدیدکننده آنهاست (De-Vos, 2003: 165).

سلطه و هژمونی گفتمان

تا اینجا سعی شد مفاهیم اصلی نظریه معنایی لاکلا و موف را به صورت مختصر تشریح شود؛ به این صورت که هر گفتمان برای هژمونیک شدن در اجتماع، ابتدا باید یک نظام معنایی با ترکیبی از مفاهیم ارائه دهد تا بتواند به اقبال عمومی برسد. در حقیقت مفصل‌بندی گفتمان‌ها و دال مرکزی، بُرداری از نیازها و خلأهای یک جامعه است که گفتمان‌ها با طرح آن در قالب مفصل‌بندی سعی در پاسخ به مشکلات و رفع آن در گفتمان خودشان دارند. پس از این مرحله (طرح نظریه معنایی) باید چگونگی هژمونیک شدن و غلبه یک گفتمان بر رقبای آن را بررسی و تبیین نمود. به عبارت دیگر، در جامعه و اجتماع گفتمان‌ها با استفاده از چه استراتژی و راهبردهایی تلاش دارند خودشان را به عنوان گفتمان فراگیر و غالب نشان دهند و به اصطلاح عوامل هژمونیک شدن یک گفتمان در تنازع گفتمانی در جامعه چیست؟ برای پاسخ به این سؤال از نظریه اجتماعی لاکلا و موف (تبیین چگونگی هژمونیک شدن یک گفتمان در جامعه) استفاده خواهیم کرد.

هژمونی^۱: مفهوم هژمونی در تبیین نظریه گفتمانی لاکلا و موف از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. هژمونی در نگاه گرامشی ناشی از قدرت اقناع طبقات محکوم توسط طبقه حاکم و در راستای منافع آنها است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۲). اما در رویکرد لاکلا، هژمونی در سرتاسر جامعه وجود دارد و با آن درهم‌تنیده است. لاکلا و موف معنای بسیار عام‌تری از هژمونی را در مقایسه با گرامشی به کار می‌برند. این مفهوم ناظر به این است که در ساحت سیاست و اجتماع چه کسی برتر است. به عبارت دیگر، کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری

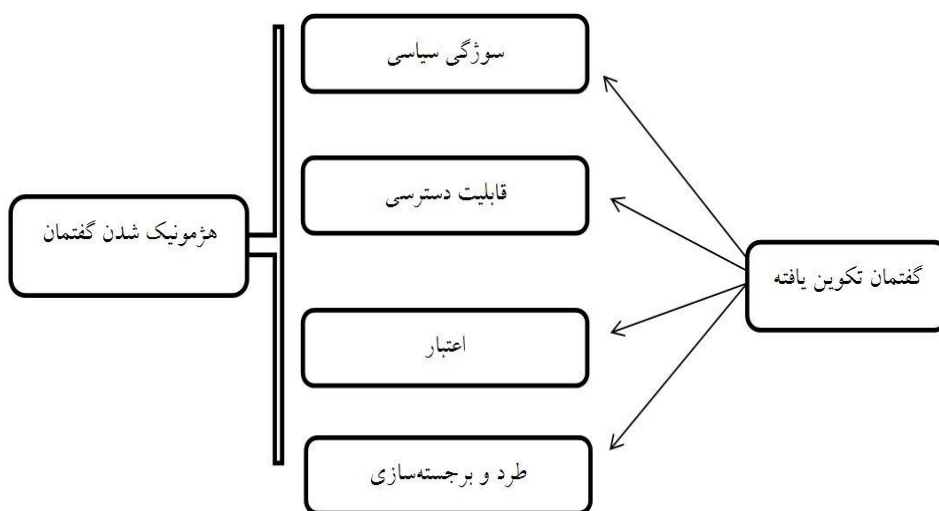
1: Hegemony

در جامعه تصمیم خواهد گرفت (مارش و استوکر، ۱۳۸۶: ۲۰۹). اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال هرچند موقت بپذیرند، در آن صورت، آن دال هژمونی می‌شود. هژمونی شدن دال‌های دیگر به معنای هژمونی شدن کل نظام معنایی و نهایتاً گفتمان و هویت آن می‌شود. تثبیت موقت هویت‌ها مهم‌ترین کارویژه هژمونی است. از دیگر کارکردهای هژمونی، جایگزینی سلطه به جای زور و عادی و طبیعی جلوه دادن قدرت و مطابق حقیقت نشان دادن آن با واقع است.

اسطوره‌سازی (وجه استعاره‌ای): به نظر لاکلاو برای بازنمایی و تبیین یک فضای اجتماعی به ایجاد فضایی نیاز است که به‌ناچار وجهی استعاره‌ای و اسطوره‌ای دارد؛ در حقیقت گفتمانی می‌تواند به شرایط ظهور و بروزی برسد که بتواند به اسطوره تبدیل شود حوزه اسطوره‌ای از سوی سوژه‌ها ساخته می‌شود و جایگزین ساختار موجود به شمار می‌آید و خود را به‌عنوان جایگزین منطقی گفتمان ساختاری مسلط، مطرح می‌سازد و در برابر آن نوعی فضای آرمانی را بازنمایی می‌کند. بدین جهت، گفتمان‌های دیگر تصویر روشنی از آینده حضور خویش به سوژه‌ها ارائه می‌دهند که در آن وضع، دیگر خبری از مشکلات نیست. درواقع، گفتمان‌ها به دنبال رهایی از بی‌قراری و ایجاد یک عینیت جدیدند (Laclau, 1990: 16).

عوامل هژمونیک شدن گفتمان

بر پایه نظریه لاکلاو و موف، چهار عامل برای موفقیت گفتمان در کسب موقعیت هژمونیک ضرورت دارد. این چهار عامل عبارتند از: عاملان سیاسی، طرد و برجسته‌سازی، دسترسی و اعتبار



مدل چگونگی هژمونیک شدن گفتمان

الف- سوژگی سیاسی^۱ یا عاملان سیاسی

این مفهوم به شیوه‌هایی اشاره دارد که افراد به عنوان عاملان اجتماعی عمل می‌کنند. در نظریه آلتوسر و ساختارگرایان سوژه از هیچ اختیار و استقلالی برخوردار نیست و مقهور ساختارها و گفتمان‌هاست؛ اما در نظریه لاکلا و موف سوژه در شرایط خاص از نوعی استقلال و اختیار برخوردار است. به نظر لاکلا این مفهوم به حل مشکل دیرین ساختار کارگزار در علوم اجتماعی کمک می‌کند. لاکلا می‌گوید به دلیل اینکه گفتمان‌ها و ساختارها هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند و همواره نوعی تزلزل و بحران در آنها وجود دارد و به دلیل امکانی بودن و تصادفی بودن گفتمان‌ها و جوامعی که ایجاد می‌کنند، می‌توانیم شاهد ظهور سوژه سیاسی باشیم. زمانی که یک گفتمان دچار تزلزل می‌شود و نمی‌تواند به عاملان اجتماعی هویت اعطا کند، امکان ظهور سوژه سیاسی فراهم می‌گردد. در اینجا افراد به عنوان رهبران و سیاستمداران و متفکران بزرگ در نقش سوژه ظاهر می‌شوند (حسینی‌زاده: ۱۳۸۴: ۱۹۳). سوژه به‌عنوان عامل سیاسی یا کارگزار دست به عمل سیاسی می‌زند و هژمونی گفتمان حاکم را به چالش طلبیده، نظم موردنظر خویش را بر جامعه و گفتمان حاکم می‌سازد. در این موقعیت سوژه برای گفتمان تصمیم‌سازی می‌کنند و خلاقیت و نوآوری و اسطوره‌سازی سوژه‌ها موجب ظهور گفتمان و هژمونی آن می‌شود (کسرابی، ۱۳۸۸: ۳۵۸).

ب- برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی^۲

گفتمان‌ها به واسطه فرایندهای برجسته‌سازی سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته کرده و با به حاشیه راندن کاستی‌هایشان، خلأها و ضعف‌هایشان را بپوشانند؛ همچنین در فرایندی وارونه، نقاط قوت و برتری رقبا را به حاشیه برانند و نقاط ضعف آنها را برجسته سازند. بنابراین، مکانیسم‌های برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای تقویت خود و به حاشیه راندن دیگری است. گفتمان‌ها با بهره‌گیری از همین دو شیوه است که با معنادهی خاص به نشانه‌ها و اجماع سازی، می‌توانند مدلول خاصی را به دال مرکزی بچسبانند و آن را هژمونیک کنند و تلاش می‌کنند تا با طرد و شالوده شکنی دال مرکزی گفتمان رقیب، هژمونی‌اش را بشکنند.

پ- دسترسی^۳

یکی از قابلیت‌هایی که امکان هژمونیک شدن را در اختیار گفتمان‌ها قرار می‌دهد، قابلیت

1. Political Subjectivity
2. Exclusion and Foregrounding
3. Availability

دسترسی آن است. در دسترس بودن، عبارت است از وجود گفتمان در عرصه اجتماعی و قابلیت دسترسی مردم به آن. به عبارت دیگر، یعنی در دسترس بودن در زمینه و موقعیتی که هیچ گفتمان دیگری خود را به عنوان جایگزین واقعی هژمونیک نشان نداده است (Laclau, 1990: 60).

ت- اعتبار^۱

یعنی اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول بنیادین جامعه ناسازگار باشد. به عبارت دیگر، قابلیت اعتبار یعنی صورت‌بندی گفتمان باید منطبق بر خواست‌ها، ذهنیت‌ها و آرزوی اکثریت جامعه بوده و از این نظر برای آنها قابل فهم و درک باشد. در این صورت، هرچه سازمان جامعه یا گروه بحرانی تر و بی‌قرارتر باشد، اصول اساسی آن بیشتر پراکنده و شکسته شده است. بنابراین، اگر اصولی مانده باشد که گروه را منسجم و مشخص سازد گفتمان‌ها نمی‌توانند با آنها از در ستیز درآیند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۰۲).

کاربست روش

جهت تحقق اهداف و پاسخ به سؤال پژوهش، نظریه گفتمان لاکلا و موف متناسب با موضوع و به اقتضای آن به کار بسته می‌شود. بر اساس چنین ملاحظه‌ای و همان‌طور که در قسمت‌های پیشین در رابطه با دو بخش نظریه لاکلا و موف، یعنی «نظریه معنا» و «نظریه اجتماعی» آنها گفته شد، نظریه آنها در رابطه بامعنا، برای توصیف نظام معنایی حاکم بر گفتمان‌های نامزدهای ریاست جمهوری در عرصه انتخاباتی به کار خواهد رفت. از نظریه اجتماعی این دو، برای تبیین رقابت هژمونیک میان گفتمان اعتدال به نمایندگی حسن روحانی و گفتمان‌های رقیب و چرایی هژمونیک شدن این گفتمان بهره گرفته می‌شود. با استفاده از نظریه لاکلا و موف در رابطه بامعنا، سعی می‌شود عناصر و دقایق گفتمان اعتدال شناسایی و نحوه مفصل‌بندی و شکل‌گیری نظام معنایی گفتمان توصیف شود. به کارگیری نظریه اجتماعی لاکلا و موف، این امکان را به ما می‌دهد تا رقابت گفتمان‌های کاندیداها برای هژمونیک شدن در عرصه انتخاباتی را تبیین کنیم. در واقع، مطابق نظریه اجتماعی لاکلا و موف در تحلیل گفتمان، گفتمان‌های رقیب تلاش می‌کنند «اسطوره‌های» خود را به «تصور اجتماعی» تبدیل نمایند و از این طریق، منزلتی هژمونیک یابند. برای تبیین هژمونیک شدن گفتمان اعتدال در عرصه انتخاباتی از چهار مفهوم «سوژگی سیاسی»، «دسترسی»، «اعتبار» و «طرز

و برجسته‌سازی» در نزد لاکلا و موف استفاده می‌شود و در نهایت، موفقیت گفتمان پیروز بررسی خواهد شد.

تحلیل چگونگی هژمونیک شدن گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم

زمینه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم

انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و ظهور گفتمان اعتدال در وضعیتی رخ داد که گفتمان حاکم بر جمهوری اسلامی ایران گفتمان اصولگرای عدالت‌محور با نمایندگی محمود احمدی‌نژاد بود. با پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۸۴ و تداوم آن در سال ۸۸، تاریخ گفتمان حاکم بر جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر و تحول درونی شد؛ به گونه‌ای که گفتمان چپ‌مدرن یا صلح‌گرایی مردم‌سالار یا اصلاح‌طلبی جای خود را به اصول‌گرایی عدالت‌محور داد. مفصل‌بندی و معنایابی مفاهیم و عناصر گفتمانی در گفتمان اصول‌گرایی حول نقطه کانونی یا دال متعالی «عدالت» صورت گرفت. این گفتمان دارای دال‌هایی مانند «مهرورزی» و «پیشرفت و تعالی مادی و معنوی» و «خدمت‌رسانی» است که بر حول محور دال مرکزی مفصل‌بندی شدند؛ بنابراین، محور و مبنای سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در چارچوب گفتمان اصول‌گرایی، عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری در عرصه داخلی و بین‌المللی است و نشانه‌هایی چون ولایت فقیه و استکبارستیزی و ماهیت فراملی انقلاب اسلامی در نظام معنایی این گفتمان به چشم می‌خورد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

علاوه بر وضعیت نابسامان گفتمان حاکم بر کشور، شرایط و ویژگی‌های دیگری وجود داشت که بر پیچیدگی‌ها و اهمیت انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم و ظهور گفتمان اعتدال می‌افزود؛ از جمله این ویژگی‌ها بشرح ذیل می‌باشند:

برگزاری اولین دوره از انتخابات پس از وقایع سال ۱۳۸۸ و شکاف و بی‌اعتمادی طیفی از جامعه نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

طرح‌ریزی پروژه تحریم انتخابات از سوی شبکه‌های معاند ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی، قبل از انتخابات یازدهم ریاست جمهوری با عناوین انتخابات صوری و مهندسی‌شده، انتخابات بدون رقابت و غیردموکراتیک، حمایت نظام از کاندید خاص و حذف جریان منتقد (بروجردی و دهقان، ۱۳۹۲: ۱۹۱)؛

تلاش جریان اصلاح طلب برای احیا و بازیابی قدرت گذشته خود پس از وقایع سال ۸۸ (دارابی، ۱۳۹۲: ۴۸)؛

تلاش دولت دهم برای حفظ جایگاه قدرت و بی نتیجه ماندن این تلاش‌ها به دلیل رد صلاحیت نامزد مدنظر دولت (مشایی)؛
شکل‌گیری ائتلاف در اردوگاه انتخاباتی اصولگرایان به نام ائتلاف پیشرفت میان آقایان ولایتی و حداد عادل و قالیباف.

عوامل هژمونیک شدن گفتمان اعتدال

چرا گفتمان اعتدال در میان گفتمان‌های رقیب در عرصه انتخابات توانست هژمونیک شود؟ با مبنا قراردادن نظریه گفتمان لاکلا و موف، به نظر می‌رسد که گفتمان اعتدال به دلیل داشتن قابلیت به کارگیری «رویه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی»، «ایفای نقش سوژگی سیاسی»، «در دسترس بودن» و «اعتبار» در تنازع گفتمانی با گفتمان رقیب توانست هژمونیک شود. گفتمان اعتدال، پس از آنکه تکوین یافت، اسطوره‌های خود را به تصور اجتماعی بدل کرد و هژمونیک شد. در ادامه با اشاره به تلاش این گفتمان برای اسطوره‌سازی، چگونگی به کارگیری این چهار عنصر هژمونیک‌ساز از سوی گفتمان اعتدال برای دستیابی به تسلط سیاسی بررسی می‌شود.

حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی

گفتمان‌ها به واسطه فرایندهای برجسته‌ساز سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته کرده و با به حاشیه راندن کاستی‌هایشان، خلأها و ضعف‌هایشان را بپوشانند؛ همچنین در فرایندی وارونه، نقاط قوت و برتری رقبا را به حاشیه برانند و نقاط ضعف آن‌ها را برجسته سازند؛ بنابراین مکانیسم‌های طرد و برجسته‌سازی، شیوه‌ای برای تقویت خود و به حاشیه راندن دیگری هستند. گفتمان‌ها با بهره‌گیری از همین دو شیوه است که با معنادهی خاص به نشانه‌ها و اجماع‌سازی، می‌توانند مدلول خاصی را به دال مرکزی بچسبانند و آن را هژمونیک کنند و با طرد و شالوده شکنی دال مرکزی گفتمان رقیب تلاش دارند هژمونی‌اش را بشکنند. گفتمان اعتدال، با استفاده از ابزارهای زبانی طرد و برجسته‌سازی مانند تبلیغات، رسانه‌ها، مناظره‌ها و برنامه‌های دیگر صداوسیما سعی در برجسته‌سازی خود و به حاشیه راندن سایر گفتمان‌ها بالأخص گفتمان مسلط داشت. اهم این شیوه‌ها عبارتند از:

برجسته‌سازی: در متون و گفتارهای متعدد، گفتمان اعتدال تلاش کرد تا دال مرکزی خود را برجسته کند و آن را عمومیت بخشد. برای این منظور این گفتمان در عرصه‌های سیاست خارجی و داخلی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر سازوکارهای اقتناع‌سازی زیر متمرکز شد:

الف- عرصه سیاست خارجی در انتخابات ۹۲ یکی از مهم‌ترین مصادیق حل نزاع و تنش در میان گفتمان‌ها بود. در این راستا، تمامی نامزدها سعی می‌کردند با برجسته‌سازی دقایق با محوریت دال مرکزی، گفتمان‌های دیگر را به حاشیه برانند. گفتمان اعتدال با شاخص‌هایی چون تعامل سازنده، اعتمادسازی، تنش‌زدایی و آشتی با جهان به دنبال برجسته‌سازی دال‌های خود، یعنی اعتدال و عقلانیت، بود. گفتمان اعتدال طی فرایند اقتناع‌سازی افکار عمومی، چنین القا می‌کرد که مسائل حوزه روابط خارجی مانند تحریم‌ها، پرونده هسته‌ای، مذاکره با امریکا و موارد دیگر در دولت تدبیر و امید حل خواهد شد. از محورهای مهم گفتمان اعتدال در حوزه سیاست خارجی موارد زیر هستند:

اول: خارج کردن کشور از انزوای بین‌المللی یکی از عمده محورهای گفتاری برجسته‌سازی تعامل سازنده در گفتمان اعتدال است (روحانی، برنامه انتخاب ایرانی، ۹/۴/۱۳۹۲)؛

دوم: رفع تحریم‌های بین‌المللی و بهبود زندگی و معیشت مردم از طریق شکستن ساختار تحریم‌ها به واسطه تعامل سازنده و مؤثر با جهان از دیگر استراتژی گفتمان اعتدال برای برجسته‌سازی خود است (روحانی، برنامه رویکردها و برنامه‌ها در شبکه چهار سیما، ۱۶/۳/۱۳۹۲)؛

سوم: تأکید بر حمایت رهبر انقلاب از رویکرد هسته‌ای وی در زمان آقای خاتمی و برجسته‌سازی اعتدال به عنوان چراغ سبزی بر تعامل سازنده با جهان (روحانی، برنامه با دوربین سیما، ۸/۳/۱۳۹۲)؛

چهارم: پیگیری موضع تنش‌زدایی با قدرت‌های بزرگ، بویژه ایالات متحده، به عنوان کدخدای اروپایی‌ها، به عنوان منطقی‌ترین راه برای حل مسائل سیاست خارجی (روحانی، دانشگاه صنعتی شریف، ۲۳/۲/۱۳۹۲)؛

پنجم: برجسته‌سازی گفتمان هسته‌ای خود از طریق تأکید بر حل مسئله هسته‌ای از راه همکاری و مذاکره با غرب به جای پیگیری سیاست‌های هزینه‌ساز و ماجراجویانه (روحانی، گفت‌وگو در شبکه خبر، ۱۳/۳/۱۳۹۲)؛

ششم: توازن‌بخشی میان حق و تکلیف در سیاست خارجی و حفاظت از منافع ملی از طریق اعتمادسازی و تنش‌زدایی با جهان در استراتژی برجسته گفتمان اعتدال جایگاه ویژه‌ای دارد

(روحانی، ورزشگاه آهن دوست ارومیه، ۱۳۹۲/۳/۲۰)؛

هفتم: بازیابی عزت مردم ایران در روابط بین الملل از دیگر موارد برجسته گفتمان اعتدال بود. ب- عرصه اقتصادی یکی دیگر از عرصه‌هایی بود که گفتمان‌ها درصدد بودند آن را در نظام معنایی خود برجسته کنند. وضعیت بی‌ثبات اقتصادی قبل از انتخابات و سیاست‌های غلط اقتصادی، موجب نارضایتی جامعه از دولت قبل شد؛ بنابراین طبیعی بود که تمامی نامزدها برای اقبال عمومی و در دسترس قرار دادن گفتمان خود در میان مردم، به این معضل پاسخ دهند. در همین راستا، گفتمان اعتدال، با اسطوره‌سازی و بحرانی نشان دادن وضعیت اقتصادی مردم، سعی کرد با برجسته کردن دال‌های خود، پاسخ مقبولی به افکار عمومی بدهد.

مفهوم «نجات اقتصادی» در گفتمان اعتدال در حقیقت نوعی ترسیم وضعیت بد گذشته و مفهوم «تحول اقتصادی در فرصت کوتاه‌مدت» تصویری آرمانی از آینده دولت تدبیر و امید را نشان می‌داد که موجب برجسته‌سازی گفتمان اعتدال می‌شد. در دایره نظام معنایی یک گفتمان واژگانی چون آرامش، ثبات، کنترل و دیگر کلمات شاید بتواند هم‌ردیف مفهوم نجات اقتصادی باشد؛ اما این مفهوم بهتر می‌توانست موجب برجسته شدن وضعیت گذشته شود و بحرانی بودن آن را تصویرسازی کند که در سخن زیر مشهود است:

«... همه ما به دنبال تغییر و تدبیر و امید هستیم. درست است که هوا بس ناجوانمردانه سرد است و من می‌خواهم به شما جوانان عزیز بگویم، برنامه من نجات اقتصاد کشور است. اقتصاد ما امروز نیاز به نجات دارد. او افزود: بیکاری، گرانی، آشفتگی، ناامیدی نسبت به فردای نامشخص نسل جوان، به کمک شما غیورمردان قابل حل است که این کار با تدبیر و برنامه و امید امکان‌پذیر است (روحانی، سالن شهید افراسیابی، ۱۳۹۲/۳/۱۸).

همچنین «وعده تحول اقتصادی در فرصت کوتاه‌مدت» استراتژی دیگر گفتمان اعتدال برای برجسته‌سازی بود که سعی در افزایش مقبولیت و برجسته‌سازی این گفتمان در نگاه افکار عمومی دارد (روحانی، برنامه با دوربین سیما، ۱۳۹۲/۳/۸).

همان‌طور که بیان شد، در فرایند اسطوره‌سازی و هژمونیک شدن گفتمان، نماینده گفتمان تمام تلاش خود را برای جذب مردم می‌کند و سخن آنها لزوماً به معنای قابلیت عمل در دوران هژمونی گفتمان نیست. به بیان دیگر، گفتمان تلاش می‌کند نهایت بهره را از بی‌قراری و بی‌نظمی موجود در گفتمان حاکم ببرد تا با برجسته‌سازی دال‌های در یک نظام مفصل‌بندی شده، خودش را بازنمایی کند. بدین صورت، وعده‌های آنان برای آینده نوعی اسطوره‌سازی و برجسته‌سازی

گفتمان محسوب می‌شود.

پ- عرصه اجتماعی و فرهنگی نیز بستر دیگری را برای منازعه گفتمانی فراهم کرد که موجب شد گفتمان‌ها در رقابت‌های انتخاباتی، با راهبردهای متفاوت، در جهت ساختن هویت خود و غیریت‌سازی با دیگری تلاش کنند. آقای روحانی با طرح مفاهیمی چون قانون‌گرایی، حقوق شهروندی، اخلاق‌مداری، امنیت و آزادی حول محور اعتدال و عقلانیت در پی طراحی و تعریف جدیدی از این نشانه‌ها بود. هرچند این نشانه‌ها مفاهیم جدید نبودند و از قبل در گفتمان‌ها وجود داشت؛ گفتمان اعتدال توانست با برجسته‌سازی و ترکیب کردن منظم در چارچوب یک مفصل‌بندی، آن‌ها را به عناصر گفتمان خود تبدیل کند. برخی محورهای مهم گفتمان اعتدال در حوزه اجتماعی و فرهنگی از این قرارند:

اول. از راهبردهای گفتمان اعتدال جهت برجسته‌سازی نظام معنایی خود، استفاده از مفاهیم قانون و دفاع از حقوق مردم بود. روحانی با تأکید بر اینکه رئیس‌جمهور باید اجرای قانون اساسی را به عنوان وظیفه به دوش بکشد، تصریح می‌کند: خیلی مهم است که رئیس‌جمهور یکی از وظایفش اجرایی کردن قانون اساسی است. وی به فصل سوم قانون اساسی که به بیان حقوق ملت اشاره دارد، پرداخت و تصریح کرد: از اصل ۱۹ قانون اساسی، حقوق ملت برداشت می‌شود که مردم از هر قوم و قبیله‌ای از حقوق مساوی برخوردارند و قانون از آن‌ها باید حمایت کند. همچنین درباره حقوق زنان، جایگاه حفظ حیثیت، جان و مال مردم، شغل و مسکن که باید از هر نوع تعرضی مصون باشد و این یعنی امنیت (اعتماد: ۹۱/۱۱/۲۸)؛

دوم. از دیگر استراتژی‌های برجسته‌سازی در گفتمان اعتدال، معرفی آقای روحانی به عنوان حقوق‌دان بود که در موارد متعدد در تقابل‌های انتخاباتی، ایشان سعی داشت از آن استفاده کند؛ جمله‌هایی مانند «من سرهنگ نیستم، من یک حقوق‌دان هستم»، یا «من حقوق خوانده‌ام...» این درس به من آموخت که فرق قطعنامه شورای حکام با قطعنامه شورای امنیت و یک کاغذ معمولی چیست». در حقیقت، آقای روحانی تلاش کرد از مقام سوژگی سیاسی خود در برجسته‌سازی گفتمان اعتدال بهره‌برد و در مقابل گفتمان رقیب، غیریت‌سازی کند؛

سوم. آقای روحانی با تکیه بر مفاهیم برابری و عدالت، درجه‌بندی و تقسیم شهروندان و اقوام و اقلیت‌ها را نفی کرده و وظیفه دولت را احترام به حقوق مردم و ایجاد فرصت برابر برای همه می‌داند. همچنین قومیت‌گرایی و مساوی خواندن همه اقوام از دیگر استراتژی‌های آقای روحانی در انتخابات بود که آرای وی در بیشتر استان‌های مرزی و اقلیت‌های قومی نیز همین موضوع را

تصدیق می کند؛

چهارم. برجسته سازی گفتمان اعتدال در عرصه فرهنگی و اجتماعی از طریق تأکید بر «احیای اخلاق با تشکیل دولت راست گویان و درستکاران» (روحانی، دیدار با مردم رشت، ۱۳۹۲/۳/۱۹)؛ پنجم. خارج کردن کشور از فضای امنیتی و ایجاد امنیت واقعی با راهکارهای فرهنگی و سیاسی در جامعه برای زنان، در دانشگاه برای دانشجوی و استاد و امنیت منطقه ای در مرزها با همکاری اقوام، یکی از عمده ترین محورهای گفتاری برجسته سازی در گفتمان اعتدال است؛ ششم. پیگیری موضوع دولت الکترونیکی و آزادی رسانه ای جهت شفاف سازی، به عنوان منطقی ترین راه برای مبارزه با فساد اقتصادی؛

هفتم. از دیگر استراتژی گفتمان اعتدال برای برجسته سازی تأکید بر عنصر آزادی همراه پسوندی چون در چارچوب قانون اساسی، مشروع و مسئولانه، با هدف مدرن و نوگرا نشان دادن گفتمان اعتدال است.

طرد و حاشیه رانی: در کنار استراتژی برجسته سازی، گفتمان اعتدال برای مشروعیت زدایی و به حاشیه راندن گفتمان های رقیب تلاش می کرد با طرد و شالوده شکنی دال های این گفتمان ها، موقعیت هژمونیک خود را تثبیت کند. با تحلیل سخنان آقای روحانی، رویکرد کلی و جهت اصلی فرایند حاشیه رانی و غیریت سازی گفتمان اعتدال در تقابل با افراط گرایی مشخص می شود. به نحوی که افراط، رقیب اصلی این گفتمان محسوب می شود. حسن روحانی در این چارچوب سعی می کند با مطرح کردن مفهوم افراط و تفریط، به غیریت سازی اقدام کند و رقیب را به حاشیه براند:

«من با کار کردن با جناح ها که اسمشان اصولگرا و اصلاح طلب است، مشکلی ندارم. من با افراطیون مشکل دارم و با آن ها که در خط اعتدال نیستند، میانه ای ندارم. به خاطر همین آمدم تا خط اعتدال را جایگزین خط افراط کنم؛ چرا که خط افراط همیشه برای ما مشکل آفرین بوده است و اصلاً مشکل، اصولگرا و اصلاح طلب نیست، مشکل افراطیون هستند» (روحانی، برنامه گفت و گو با شبکه خبر، ۱۳۹۲/۳/۱۳).

با وجود این، گفتمان اعتدال در سه ساحت دولت و نهادهای ملی و نظامی و گفتمان های رقیب، راهبرد حاشیه رانی را در پیش گرفت. مهم ترین استراتژی های زبانی طرد در گفتمان های اعتدال را در سه حوزه زیر بررسی می کنیم.

دولت

در تنازع گفتمانی، سوژگی سیاسی آقای روحانی در موضع مخالفت با وضع موجود متبلور شد. وی در اولین گام حاشیه‌رانی خاص سیاست‌های دولت قبل را نقد کرد؛ به طوری که در تمامی سخنرانی‌های آقای روحانی این سیاست وجود داشت. حاشیه‌رانی گام به گام آقای روحانی و حجم‌های وی در برخی اوقات آن قدر زیاد بود که انتقاد وی به سوی سیاه‌نمایی و تیره نشان دادن وضعیت جامعه در دولت دهم پیش می‌رفت. در زیر به برخی از مهم‌ترین محورهای طرد و شالوده شکنی گفتمان اعتدال نسبت به گفتمان دولت قبل اشاره می‌کنیم:

* تأکید بر ضعف مدیریتی به دلیل فقدان شایسته‌سالاری و نخبه‌گرایی، خودمحموری، مشورت‌ناپذیری و جابه‌جایی و بی‌ثباتی در بدنه دولت که موجب انزوای گفتمان حاکم در زمینه اداره دولت بود؛

* تأکید بر ضعف پایبندی به قانون در مصادیقی همچونی قانون‌گریزی و ابلاغ نکردن مصوبات مجلس، تغییر مکرر قانون، غفلت از اجرای برخی قانون‌ها و اجرای ناقص و نادرست برخی قانون‌ها مانند هدفمندی یارانه‌ها؛

* نبود توازن بین راهبرد مقاومت در شعار سیاسی و عملکرد اقتصادی و فقدان برنامه‌ریزی و مقاومت در عرصه اقتصادی؛

* به چالش کشیدن عملکرد اقتصادی مانند درون‌گرایی اقتصاد، رشد منفی اقتصادی کشور برخلاف رشد ۸ درصدی در سند چشم‌انداز، افزایش تورم و بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و افزایش نقدینگی (روحانی، برنامه با دوربین سیما، ۱۳۹۲/۳/۸)، درآمد ارزی زیاد و استفاده نامطلوب از این درآمد، شکاف طبقاتی، تصمیم‌گیری‌های عجولانه و اقتصاد دستوری؛

* تمرکزگرایی در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، فرهنگ بخش‌نامه‌ای و دستوری، دخالت به جای حمایت و نظارت در عرصه فرهنگ، نگاه قیم‌آبانه دولتی در عرصه اجتماعی؛

* تأکید بر عقلانیت در فهم مسائل دینی در مقابله با خرافه‌گرایی، قشری‌گری، افکار موهوم و توجیه مدیریت ناکارآمد با نام معصومین (روحانی، مناظره فرهنگی، ۱۳۹۲/۳/۱۵)؛

* ضربه خوردن اخلاق و فرهنگ، بی‌اخلاقی، افترا و تهمت به بزرگان نظام، حذف جریان‌های مخالف، افشاگری، استبداد رأی، منزوی کردن بزرگان و استفاده از مدیران لایق ناشی ناکارآمدی در شیوه مدیریت (ر.ک. روحانی، رادیو ایران، ۱۳۹۲/۳/۲۰)؛

* شعارزدگی، انزواگرایی، افزایش قطعنامه‌ها و تحریم‌ها، رفتار شتاب‌زده و تشدید چهره

امنیتی جمهوری اسلامی ایران، توهم مواجهه با موضوع هسته‌ای به جای تکیه بر عقلانیت و تدبیر؛
 *فقدان آزادی عمل رسانه‌ها و امنیتی بودن دانشگاه و جامعه؛
 *تأکید بر سود بردن برخی افراد از تحریم‌ها به بهانه ایستادگی و مقاومت بر سر موضوع
 هسته‌ای در مقابل امریکا، برای به انزوا کشاندن گفتمان دولت حاکم در سطح اجتماعی؛
 *ماجراجویی و تندى و خشونت‌گرایی در گفتار، درشت‌گویی در حوزه سیاست خارجی،
 کاغذپاره خواندن تحریم‌ها و پیش‌بینی‌های غلط درباره شورای امنیت و سازمان ملل که نتیجه‌ای
 جز تحمیل هزینه به کشور ندارد.

سازمان‌ها

* صداوسیما

همان‌طور که بیان شد، استراتژی آقای روحانی در انتخابات، نمایندگی مخالفت با وضع
 موجود بود. وی علاوه بر دولت به نهادهای دیگری چون صداوسیما و نیروی انتظامی به‌عنوان
 نماینده وضع موجود، معترض بود و سعی داشت با برجستگی خود به‌عنوان نماینده تغییر وضع
 موجود، گفتمان وضع موجود را به حاشیه براند. حضور آقای روحانی در برنامه گفت‌وگوی ویژه
 خبری با اعتراض به صداوسیما، مجری، گوشی مجری، آدم پشت گوشی و همچنین وجود
 تهمت‌ها و افتراها به اشخاص که همگی به منزله نماینده وضع موجود متصور می‌شدند، موجب
 شد تا وی موقعیت خود را در مقام نماینده تغییر شرایط موجود تثبیت کند.

* نیروی انتظامی

از دیگر نهادهای نماینده وضع موجود، نیروی انتظامی است که مورد هجمه و انتقاد آقای
 روحانی قرار می‌گرفت. اخلاق پلیسی و نقض حقوق شهروندی و حریم خصوصی توسط پلیس
 (حضور نیروهای انتظامی بر پشت‌بام‌ها برای جمع‌آوری ماهواره) و امنیتی شدن جامعه برای
 جوانان از محورهای اصلی رویکرد حاشیه‌رانی آقای روحانی بر ضد گفتمان حاکم بر وضع
 موجود بود (روحانی، رادیو جوان، ۱۳۹۲/۳/۲۱). جمله کلیدی «من سرهنگ نیستم» در مناظره
 معروف پایانی نیز از دیگر گزاره‌های تأثیرگذار در نقد فضای امنیتی به شمار می‌آید.

نامزدها

تابه حال هرآن چه بیان شد، گفتمان اعتدال از استراتژی حاشیه‌رانی در برابر گفتمان حاکم بر دولت قبل بهره برده است؛ اما در تنازع انتخاباتی لزوماً همه کاندیداها نماینده گفتمان حاکم محسوب نمی‌شوند و باید در راهبرد طرد و شالوده شکنی در مقابل گفتمان‌های رقیب، طرح دیگری نیز داشت. آقای روحانی در رقابت انتخاباتی سعی داشت با شالوده شکنی دال‌های گفتمان آقایان جلیلی و قالیباف و رضایی آنها را به حاشیه براند و گفتمان اعتدال را برجسته کند.

جلیلی

دال‌های گفتمانی آقای جلیلی بیشترین نزدیکی را با گفتمان دولت احمدی‌نژاد داشت و به‌نوعی، گفتمان دولت قبل را با برخی تفاوت‌ها نمایندگی می‌کرد. به‌این ترتیب، بخشی از انتقادات آقای روحانی به دولت قبل، به‌طور طبیعی در طرد و حاشیه راندن گفتمان آقای جلیلی نقش مهمی داشت. از مهم‌ترین محورهای استراتژی گفتمان اعتدال برای به حاشیه راندن آقای جلیلی موارد زیر می‌باشند:

اول. با توجه به اینکه رویکرد اصلی در غیریت‌سازی گفتمان اعتدال، مبارزه با افراط‌گرایی است، آقای روحانی سعی داشت یکی از مصادیق افراط را آقای جلیلی نشان کند. همچنین وی در پاسخ به حامیان جلیلی که گفتمان اعتدال را جریان تردید و سازش معرفی می‌کردند، سعی داشت آنها را به‌نوعی افراطی و تندرو معرفی کند (روحانی، مسجد جامع گلشن گرگان، ۱۳۹۲/۳/۲۲). علاوه بر این، وی در مناظره فرهنگی در تقابل آشکار با آقای جلیلی تلاش می‌کند با سخنان خود وی را فردی تندرو و با فکر بسته و داشتن توهم توطئه به افکار عمومی معرفی کند. وی چنین می‌گوید:

«از آقای جلیلی می‌پرسم اعتقاد ایشان چیست؟ چون برخی‌ها دایره خودی را آنچنان تنگ می‌کنند که تعداد و گروه خاص و عدد خاص که بالا نیست، هرکس مثل خودشان فکر نکند را محکوم کرده و حاصل توطئه می‌دانند؛ این فکر را می‌گویند طراحی استعمار و صهیونیسم بود. می‌گویند نمی‌توانیم با دنیا تعامل کنیم و دنبال حذف و کناره‌گیری از سطح جهان هستیم» (روحانی، مناظره فرهنگی، ۱۳۹۲/۳/۱۵).

دوم. از دیگر حوزه‌هایی که آقای روحانی قصد طرد و شالوده شکنی گفتمان آقای جلیلی را دارد، مسئله سیاست خارجی و تحریم‌ها و پرونده هسته‌ای است. با توجه به اینکه رفع تحریم‌ها از

عناصر مهم گفتمان عقلانیت و اعتدال بود، آقای روحانی با مقصر نشان دادن آقای جلیلی در موضوع هسته‌ای، در جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول ارشد تیم مذاکره‌کننده در دولت قبل، شالوده شکنی دال مقاومت در گفتمان رقیب و ناکارآمد نشان دادن آن در عرصه سیاست خارجی را دنبال کرده است. از جمله مصادیق پیگیری استراتژی‌های گفتمان اعتدال در طرد گفتمان جلیلی در حوزه سیاست خارجی موارد زیر است:

* مذاکره به صرف مذاکره و بدون حصول نتیجه و بیانیه خواندن پشت میز مذاکرات و عدم تخصص در دیپلماسی (روحانی، مناظره سیاسی، ۱۳۹۲/۳/۱۷)؛
* برجسته‌سازی و غلط خواندن رویکرد جزم‌گرایانه (تقابل یا تسلیم) در تعامل با دنیا در گفتمان آقای جلیلی؛

* تأکید بر نامتوازن بودن آرمان‌ها و منافع در سیاست خارجی گفتمان رقیب؛
* برجسته‌سازی درک ناقص از واقعیت‌های جهان و بی‌توجهی به الزام کنش در عرصه بین‌المللی توسط گفتمان رقیب برای ناکارآمد نشان دادن در نزد افکار عمومی؛
* تأکید بر منزوی کردن کشور در جهان از طریق بی‌اعتنایی به خردورزی و عقلانیت بر سر موضوع هسته‌ای؛

* برجسته کردن این نکته که فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های همه‌جانبه و مشکلات اقتصادی ناشی از عملکرد گفتمان رقیب در موضوع هسته‌ای است.

سوم. آقای روحانی با شالوده‌شکنی یکی دیگر از نشانه‌های گفتمان آقای جلیلی، ساده‌زیستی و مبارزه با فساد و اشرافیت‌سالاری، گفتمان رقیب را طرد و به حاشیه می‌راند و گفتمان اعتدال را برجسته می‌کند. در محاجه دیگری میان آقای جلیلی و روحانی این نکته به‌وضوح دیده می‌شود: «اینکه گفته می‌شود فرهنگ اشرافی‌گری نباید باشد کاملاً درست است. اسراف نباید باشد؛ اما متأسفانه آن‌هایی که دم از ساده‌زیستی زدند ببینید پایان کارشان به کجا رسید. آن‌ها که دم از مبارزه با فساد زدند ببینید فساد ۳ هزار میلیاردی از کجا آمد. اگر می‌خواهیم فساد نباشد به رسانه‌ها و مطبوعات آزادی بدهیم. اکتفا نکنیم به نظارت‌های رسمی..» (روحانی، مناظره فرهنگی، ۱۳۹۲/۳/۱۵).

قابلیات

صریح‌ترین کاربرد استراتژی برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در رقابت‌های انتخابات ریاست

جمهوری ۹۲، تقابل گفتمانی آقای قالیباف و آقای روحانی در مناظره سوم (سیاست داخلی و خارجی) بود. در این تقابل، آقای قالیباف در ابتدا سعی کرد گفتمان اعتدال و عقلانیت را به حاشیه براند و با مطرح کردن حوادث کوی دانشگاه تهران در سال ۷۸ آقای روحانی را به محافظه‌کاری و مخالفت با آزاداندیشی در جامعه و دانشگاه متهم کند؛ اما روحانی با برجسته‌سازی خود، توانست قالیباف را به حاشیه براند و موجب طرد گفتمان وی شود. همچنین نظرات بسیاری از کارشناسان و آمار نظرسنجی‌ها همین مسئله را اثبات می‌کند که مناظره سوم موجب کاهش رأی آقای قالیباف و افزایش نسبی آرای آقای روحانی نسبت به دیگر نامزدها شد.

روحانی با اعتراض به بی‌اخلاقی، شیوه تخریب و رقابت ناسالم، فکر و عمل گزانبیری در قبال دانشجویان، مدیریت پادگانی و سرهنگ خواندن قالیباف، افکار عمومی را بر ضد او تهییج کرد؛ به طوری که در پایان این مناظره، آقای قالیباف مخالف آزاداندیشی و حقوق دانشجویان بازنمایی شد. لذا در جدال میان یک سرهنگ و یک حقوقدان در دفاع از آزادی و حمایت از دانشجویان، سرهنگ قابلیت کسب مقبولیت اجتماعی را ندارد؛ زیرا نظم و امنیت و خشونت در رفتار پلیس طبیعی است و نمی‌تواند حامی دانشجو باشد.

آقای روحانی در پایان این سخنان با به حاشیه راندن گفتمان رقیب حال به برجسته‌سازی خود

می‌پردازد:

من می‌خواهم به ملت بزرگوار بگویم شیوه تخریب را نمی‌پسندم، حاضر نیستم رقیب را تخریب کنم. بحث من پلیس نیست. دست همه پلیس‌های خدمتگزار کشور را می‌بوسم؛ بحث من شیوه آقای قالیباف است» (روحانی، مناظره سیاسی، ۱۳۹۲/۳/۱۷).

رضایی

آقای رضایی سعی داشت بدون وارد شدن به منازعات سیاسی میان نامزدها، خود را از مشکلات و سیاست‌های غلط در عرصه‌های مختلف مبرا کند و از طرفی، دیگر نامزدها را مسئول برخی مشکلات امروز جلوه دهد. سیاست فراجناحی آقای رضایی در مناظره سوم به گونه‌ای نمایان می‌شود که وی سعی دارد خود را از تنش‌های میان آقایان ولایتی، روحانی، جلیلی و قالیباف دور نگه دارد و در پایان خطاب به مردم بگوید که خوشبختانه بنده در هیچ‌یک از این سیاست‌ها و تصمیمات اشتباه نقشی نداشته‌ام و عاملان اصلی این اشتباهات نامزدهای پیش‌گفته هستند؛ اما در خلال تنش‌ها میان کاندیداها، آقای روحانی گفتمان فراجناحی و بدون اشتباه آقای

رضایی را فراموش نمی‌کند و سعی دارد با شالوده شکنی از دال‌های گفتمانی آقای رضایی، وی را به حاشیه براند. از استراتژی‌های آقای روحانی در طرد گفتمان آقای رضایی، برجسته کردن بی‌اطلاعی و نداشتن تخصص در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل بود. وی اشاره می‌کند که:

«آقای رضایی که با لحنی صحبت می‌کند مثل اینکه ایشان نظرات بسیار دقیقی داشتند. آقای رضایی شما همان کسی هستید که در جمع گفتید شورای امنیت سازمان ملل به مراتب بهتر از شورای حکام است و آقای روحانی چرا جلوی این کار را گرفته که پرونده از شورای حکام به شورای امنیت نرود. شما اینجا ما را نصیحت می‌کنید، ما که نمی‌خواهیم این‌ها را بگوییم. چون شما آغازکننده هستید، می‌گوییم، حرف‌های دیگر شما را هم داریم» (روحانی، مناظره سیاسی، ۱۳۹۲/۳/۱۷).

در جمع‌بندی باید گفت، همان‌طور که در بالا به اهم استراتژی‌های طرد و برجسته‌سازی گفتمان اعتدال اشاره شد، این گفتمان با برجسته‌سازی نقاط قوت خود و پررنگ کردن نقاط ضعف گفتمان‌های رقیب تلاش کرده است به موقعیتی هژمونیک دست یابد و آن را تثبیت نماید.

سوژگی سیاسی (عاملان سیاسی)

سوژگی سیاسی، کنشگر فردی یا اجتماعی است که در موقعیت بی‌قراری و ازجاشدگی به کنش و عمل دست می‌زند و کنش‌ها و اعمال او در تغییرات گفتمانی تأثیرگذارند. در هژمونیک شدن گفتمان اعتدال در عرصه انتخابات، سوژگی سیاسی (عاملان سیاسی) مهم‌ترین نقش را آقای روحانی ایفا کرد. حسن روحانی با مسئولیت‌های بالای نظام جمهوری اسلامی و سوابق ممتد و متعدد از جمله نمایندگی و نایب رئیسی مجلس شورای اسلامی، دبیری شورای عالی امنیت ملی، ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضویت در خبرگان رهبری و تنها نامزد در کسوت روحانیت با عالی‌ترین درجه تحصیلات از حوزه (اجتهاد) و دانشگاه (دکترای حقوق) به‌عنوان برجسته‌ترین عامل سیاسی گفتمان اعتدال و عقلانیت، در فرایند طرد و برجسته‌سازی و در دسترس قراردادن این گفتمان و کسب اعتبار برای آن نقش مهمی ایفا کرد. او در مبارزات انتخاباتی و بویژه مناظره‌های تلویزیونی، با معرفی دال‌های گفتمان اعتدال و عقلانیت، افق معنایی را به تصویر می‌کشید که نویددهنده حل مشکلات جامعه بود که ناشی از سوءمدیریت، تحریم‌ها، افراط‌گرایی، بی‌اخلاقی، قانون‌گریزی و شعارزدگی بودند.

یکی از ظرفیت‌ها و سوژگی سیاسی آقای روحانی این بود که می‌توانست در طرف «مخالفت با وضع موجود» قرار بگیرد. روحانی به این دلیل که سهمی در دولت نهم و دهم نداشت و به دلیل نزدیک بودن به آقای هاشمی، از ظرفیتی بالقوه برای مخالفت با وضع موجود برخوردار بود. طبق آمار نظرسنجی‌ها بسیاری از مردم در ماه‌های نزدیک به انتخابات نسبت به وضع موجود معترض بودند و در «نه» به آقای احمدی‌نژاد و سیاست‌های دولت وی اطمینان یافته بودند و حال اینکه چه کسی می‌توانست نماینده این گروه باشد، بسته به گفتمان و سوژگی سیاسی نامزدها داشت که آقای روحانی نزدیک‌ترین گفتمان به تغییر وضع موجود بود (امینی، ۱۳۹۲: ۲۴).

گفتمان او نسبت به سایر نامزدها ملموس‌تر بود. «تدبیر، امید، تغییر و اعتدال». او خواهان تنش‌زدایی و کاهش دشمنی‌ها با جهان بود و می‌گفت همان‌قدر که انرژی هسته‌ای حق مسلم مردم است، زندگی، کار، شغل، امنیت، پیشرفت و تعامل سازنده با دنیا هم حق مسلم مردم است و اینکه «سانتریفیوژها بچرخد، به شرط اینکه زندگی مردم هم بچرخد» (روحانی، مناظره سیاسی: ۱۳۹۲/۳/۱۷). مهم‌تر از این‌ها، او موفق شد این گفتمان و اجزای آن را به افکار عمومی و مخاطبان خود منتقل کند. وی خطیب و سخنور و حقوقدان بود و فن بیان و قدرت استدلال او بر سایر نامزدها برتری محسوس داشت. به‌عنوان مثال، وی سیاست خارجی گفتمان خود را به زبان عمومی و فهم‌پذیر برای مردم تشریح کرد. او می‌گفت سیاست خارجی مثل نان شب مردم است و آن را گام‌به‌گام در انتخابات عملی کرد: «اگر می‌خواهید با دنیا دشمنی کم شود، تعامل داشته باشید، تحریم‌ها کاهش یابد، گذرنامه ایرانی‌ها اعتبار و ایرانی شخصیت داشته باشد، امنیت و رفاه فراهم شود، راه آن تعامل و نه تقابل با دنیا است؛ راه آن دوستی و نه ستیز با جهان است».

از دیگر موارد برجسته اینکه آقای روحانی در تمامی سخنانش سعی داشت خود را «اعتدال‌گرای فرا جناحی» معرفی کند و با غیریت‌سازی نسبت به دیگری خود، یعنی افراط‌گرایی، هویت‌سازی نماید. وی در گفت‌وگوی ویژه خبری با تأکید بر این که من یک اعتدال‌گرا هستم و همیشه با اصولگرایان معتدل و اصلاح‌طلبان معتدل کار کرده‌ام و اکنون نیز راه و مسیرم همین است و در طول این ۳۴ سال خط و مشی‌ام تغییر نکرده است، گفت: هیچ‌گاه افراط‌گر نبوده‌ام، نه به سمت چپ و نه به سمت راست و امیدوارم نمایندگان کسانی را که عدالت، اعتدال و عقلانیت را دوست دارند، داشته باشم. روحانی همواره فراتر از دو جناح اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، دولت خود را فرا جناحی معرفی می‌کرد و مبنای تصمیم‌گیری را خرد جمعی، عقلانیت و شایسته‌سالاری می‌دانست.

هرچند برخی‌ها بر این باور بودند که یکی از مشکلات جدی و پاشنه آشیل وی، نزدیکی به جریان اصول‌گرایی است. وی به لحاظ سوابق تاریخی عضو جامعه روحانیت مبارز، نایب‌رئیس مجلس چهارم و پنجم و در حقیقت، متعلق به گروه راست سنتی بودحتی در انتخابات مجلس ششم با احمدی‌نژاد به صورت مشترک در فهرست انتخاباتی جامعه روحانیت مبارز تهران حضور داشت و از لحاظ رویکردها، یک راست مدرن محسوب می‌شد. موضع‌گیری‌های وی در رابطه با واقعه ۱۸ تیر بر ضد اصلاحات، غائله سال ۸۸ و اظهار صریح در مورد ۲۵ بهمن ۹۰ این نکته را به ذهن متبادر می‌ساخت که حداقل نمی‌توانست در طیف اصلاح‌طلبان قرار بگیرد (امینی، ۱۳۹۲/۴/۸: کد مطلب: ۲۹۵۷۲۶). با وجود این، در طی یک ماه تبلیغات انتخاباتی، او توانست تصویر خود را از راست مدرن به یک اعتدال‌گرای فراجناحی و تحول‌خواه آزادی‌طلب تبدیل کند و حتی پایگاه چپ رادیکال و جریان موسوم به اصلاحات را جذب خود کرد. از دیگر ویژگی‌های سوژگی آقای روحانی، نقدپذیری، حقوق‌دان بودن، حلال تحریم و مشکلات اقتصادی و نخبه‌گرایی بود که او را مدرن جلوه‌گر می‌ساخت و موجب اقبال عمومی به گفتمان اعتدال می‌شد. در جمع‌بندی، به نظر می‌رسد به دلایلی چون شخصیت حسن روحانی و قدرت سخنوری او و حمایت معنوی شخصیت‌های مرجع سیاسی و اجماع در میان جریان‌های سیاسی حامی گفتمان اعتدال، انسجام در بین عوامل سیاسی این گفتمان نسبت به گفتمان‌های دیگر بویژه اصول‌گرایان، بسیار بیشتر بود که دچار انشعاب و رقابت‌های درونی شده بودند.

دسترسی

قابلیت دسترسی یکی از ضرورت‌های امکان‌هژمونیک شدن گفتمان‌هاست. در دسترس بودن، عبارت است از وجود گفتمان در عرصه اجتماعی و قابلیت دسترسی مردم به آن. در دسترس قرار گرفتن گفتمان، نیازمند عوامل سیاسی و شبکه تولید و توزیع گفتمان و منابع زبانی است. البته، در شرایط بی‌قراری و ازجاشدگی، همه گفتمان‌ها به‌طور یکسان در دسترس نیستند. نابرابری در قابلیت دسترسی، احتمال پرکردن شکاف به وجود آمده ناشی از وضعیت ازجاشدگی و بی‌قراری را برای گفتمان در حال هژمونیک شدن فراهم می‌سازد.

گفتمان اعتدال از طریق سخنرانی‌ها و مناظرات انتخاباتی حسن روحانی به‌عنوان حامل اصلی این گفتمان و سایر عوامل سیاسی این گفتمان شامل جریان‌های سیاسی، شخصیت‌های مرجع سیاسی، روشنفکران و دانشجویان در دسترس جامعه قرار گرفت. از مهم‌ترین شخصیت‌های

سیاسی که موجب در دسترس قرار گرفتن گفتمان اعتدال شدند می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

* هاشمی رفسنجانی

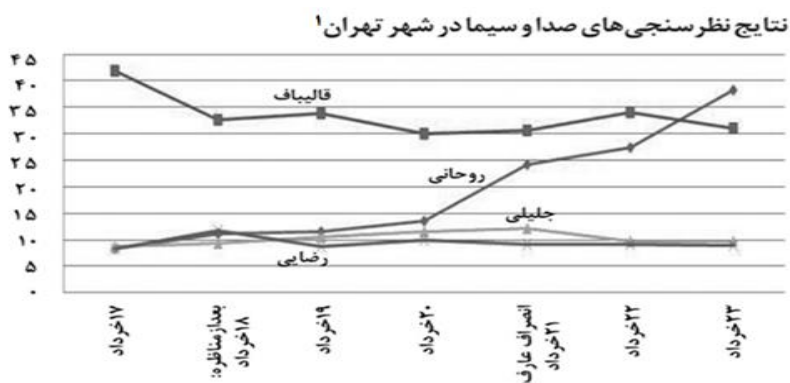
در بین شخصیت‌های سیاسی، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در عمومیت یافتن گفتمان اعتدال نقش برجسته‌تری را ایفا کرد. با حضور آقای هاشمی در صحنه انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ و اعلام نامزدی، بسیاری از وی در جایگاه یکی از اصلی‌ترین گزینه ریاست جمهوری یاد می‌کردند و با اعلام برخی نظرسنجی‌ها، وی بالاترین رتبه را نسبت به دیگران داشت. این، در حالی بود که وی در سالیان گذشته نیز از سوی مخالفان هدف انتقادهای شدید قرار گرفته بود. احراز نشدن صلاحیت وی از سوی شورای نگهبان به نوعی موجب شد تا مشی و روش او در قالب شخصیت دیگری با استقبال مواجه شود که بیشترین شباهت را به وی داشت. در واقع، هاشمی به‌جای قهر و انتقام، انتخابات را مدیریت کرد. در حقیقت، هاشمی پس از این واقعه از موقعیت سوژگی بسیار خوبی برخوردار شد و طبیعتاً حمایت وی از هر کاندیدایی، نقش مؤثری را در پیروزی وی ایفا می‌کرد؛ زیرا هاشمی خود به‌عنوان مصداق تمام و کمال مخالف وضع موجود و سیاست‌های دولت قبل و در دیدگاه مردم به‌عنوان حل‌کننده مسائل داخلی و خارجی محسوب می‌شد و سعی داشت خود را فردی میانه‌رو و معتدل و وحدت‌بخش نشان دهد. در این صورت، حمایت آقای هاشمی از حسن روحانی، نقش اصلی را در به صحنه آوردن گروه‌ها و جریان‌ها از روحانی بر عهده داشت. وی در ایجاد ائتلاف میان اصلاح‌طلبان، اصول‌گرایان سنتی و همچنین بیت امام خمینی (رحمت‌الله علیه)، با محوریت سید حسن خمینی، در حمایت از این جریان، نقش اصلی را بازی کرد و به یکی از عوامل هژمونیک شدن گفتمان اعتدال و پیروزی حسن روحانی در انتخابات تبدیل شد.

* محمد خاتمی

از دیگر عامل محوری، حضور آقای سید محمد خاتمی در طیف حامیان گفتمان اعتدال بود. آقای خاتمی با حمایت خود از روحانی، توانست پایگاه مردمی اصلاحات را متقاعد کند که به وی رأی دهند. پایگاه اصلاح‌طلبان هم به اعتبار آقای خاتمی، آقای روحانی را در جایگاه گزینه اصلی خود در انتخابات پذیرفتند. همچنین خاتمی در متقاعد کردن عارف به کناره‌گیری نیز نقش محوری داشت. بدین صورت بود که بخش مهمی از آرای اصلاح‌طلبان به سید روحانی ریخته شد.

* آقای عارف

آقای عارف به عنوان کاندیدای اصلی از سوی اصلاح طلبان وارد عرصه انتخابات شد. وی به عنوان معاون اول دولت خاتمی، تا روزهای پایانی تبلیغات انتخاباتی، کاندیدا بود و درصد قابل توجهی از آرای اصلاح طلبان را در سبد خود داشت. همراهی آقای عارف در مناظرات با آقای روحانی علیه اصولگرایان و در ادامه، با کناره گیری او از رقابت‌ها به نفع روحانی، تقریباً همه آرای عارف به سمت روحانی رفت. با اعلام برخی نظرسنجی‌ها در روز سه‌شنبه قبل از انتخابات با کناره گیری آقای عارف، آرای آقای روحانی به صورت تصاعدی و به طور معناداری افزایش یافت. به علاوه، انصراف عارف باعث شد کسانی به یقین برسند که همچنان در انتخاب گزینه نهایی تردید داشتند؛ زیرا تشتت اردوگاه اصولگرایان انتخاب گزینه نهایی برای طیف خاکستری را دشوار می‌ساخت. همچنین این کناره گیری باعث شد آرای خاموشی که امیدی به پیروزی جریان اصلاح و اعتدال نداشتند، روحیه بگیرند و از موضع عدم مشارکت در انتخابات به سمت رأی دادن به آقای روحانی^۱ بروند.^۲



همچنین گفتمان اعتدال برای در دسترس قرار دادن خود از شبکه‌ها، امکانات، ابزارها، تجهیزات و قابلیت‌های متعدد و ویژه‌ای سود جست که این عناصر کمتر در اختیار گفتمان‌های سیاسی رقیب قرار داشت. شبکه‌های گسترده مطبوعاتی و رسانه‌ای، همراهی و حمایت جمع زیادی از هنرمندان از این گفتمان، حضور فعال در فضای عمومی دانشگاه و استفاده گسترده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از جمله شبکه‌ها و ابزارهایی بودند که گفتمان اعتدال برای در دسترس قرار دادن خود از آن‌ها بهره گرفت. علاوه بر شبکه‌ها و ابزارها، قالب‌های در دسترس

1. [http:// azadie.ir/1392/03](http://azadie.ir/1392/03)

2. <http://www.asriran.com/fa/news/279926>.

قرار گرفتن گفتمان هم در میزان دسترسی بودن آن مؤثر است. غالب گفتمان‌های رقیب از قالب‌های نوشتاری و شیوه مرسوم تبلیغاتی استفاده می‌کردند؛ ولی گفتمان اعتدال علاوه بر این قالب‌ها، از طریق قالب‌های متنوع‌تری چون نمادسازی (کلید)، برگزیدن رنگ و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، خود را در دسترس مردم قرارداد. در مجموع، در دسترس قرار گرفته گفتمان اعتدال با توجه به عوامل سیاسی و امکانات و قالب‌های آن بیش از سایر گفتمان‌هاست.

اعتبار

دیگر شرط مهم دستیابی گفتمان اعتدال به هژمونی، کسب اعتبار است. قابلیت اعتبار، یعنی صورت‌بندی گفتمان باید منطبق بر خواست‌ها و ذهنیت‌ها و آرزوی اکثریت جامعه بوده و از این نظر برای آنها فهمیدنی باشد. گفتمان اعتدال سیاسی در قیاس با گفتمان‌ها در رقابت انتخاباتی، توانست خود را از طریق تلاش عاملان سیاسی در دسترس قرار دهد و به واسطه فرایند حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی توانست اسطوره‌های خود را به تصور اجتماعی بدل نماید و اعتبار کسب کند.

گفتمان اعتدال برای کسب اعتبار در نگرش مردم، خود را با خواست‌ها و آرزوها و ذهنیت‌های آن‌ها در برخی عرصه‌ها منطبق کرد؛ از همین رو، گفتمان اعتدال دال‌های خود را مبتنی بر خواست مردم در رابطه موضوعاتی از این قبیل مفصل‌بندی کرد: حل مشکلات اقتصادی و تحول اقتصادی در مدت کوتاه صدروزه، باز شدن قفل زندگی مردم، احیای اخلاق محوری و قانون مداری، احترام به اقوام و اقلیت‌ها، امنیت‌زدایی از جامعه، حاکم شدن تجربه و عقلانیت بر مدیریت کشور و پرهیز از شعارزدگی. همچنین یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این انتخابات موجب اعتبار گفتمان‌ها می‌شد، مسئله حل تحریم‌ها و پرونده هسته‌ای بود. این گفتمان، دال‌های خود را با حفظ دستاوردهای هسته‌ای و کاهش مشکلات و فشارهای اقتصادی و بین‌المللی منطبق کرد. این انطباق در سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های حسن روحانی مشاهده می‌شد. تأکید روحانی بر چرخش هم‌زمان چرخ سانتریفیوژها و زندگی مردم و تعامل با جهان و رفع تحریم‌ها هماهنگی بیشتری نسبت به سایر گفتمان‌ها با خواست و ذهنیت اکثر مردم داشت؛ از این رو، گفتمان اعتدال با خواست اکثریت مردم، علاوه بر دسترس بودن، دارای اعتبار نیز هست.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه تشریح و تحلیل شد، گفتمان اعتدال در تنازع گفتمانی به دلیل برخورداری از

موقعیت سوژگی سیاسی قوی‌تر و فعال‌تر و منسجم‌تر، به کارگیری فرایند حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی، میزان دسترسی زیاد و اعتبار بیشتر نسبت به سایر گفتمان‌های رقیب توانست هژمونیک شود. با وجود تلاش‌های زیاد و گسترده گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور، این گفتمان با ناکارآمدی‌ها و انتقادات فراوانی روبه‌رو بود. بدین ترتیب، در آستانه دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری، گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور نتوانست یک نظام معنایی تازه‌ای را شکل دهد و هیچ‌گونه تغییر چشمگیری در آن رخ نداد که موجب تصلب و انسداد معنایی و ناکارآمدتر شدن مفاهیم و دال‌ها و شعارهای گفتمان اصول‌گرایی شد. در نهایت، بحران معنا و بحران هویت گفتمان اصول‌گرایی و به حاشیه رفتن آن، زمینه فروپاشی هژمونی گفتمان دولت احمدی‌نژاد را مهیا کرد و زمینه برای ظهور گفتمان جدید فراهم شد. ازجاشدگی و بی‌قراری ناشی از فضای انتخابات در سطح اجتماعی، عرصه داخلی را به تنازع گفتمانی میان خرده‌گفتمان‌های مختلف تبدیل کرد. گفتمان اعتدال با استفاده از همین فرصت ازجاشدگی در انتخابات ریاست جمهوری، گفتمان خود را به منزلت هژمونیک رساند و نظام معنایی خود را در سطح اجتماعی حاکم کرد. گفتمان اعتدال از طریق اسطوره‌سازی در پی نفی وضع موجود و ترسیم آینده‌ایدئال و مورد انتظار بود تا از این طریق پاسخی مناسب برای بحران‌ها و مشکلات موجود ارائه کند؛ از همین رو گفتمان اعتدال برای اینکه بتواند به منزلت هژمونیک در عرصه انتخابات دست یابد، می‌بایست اسطوره‌های گفتمانی خود را عمومیت می‌بخشید و آن را به گونه‌ای بازنمایی می‌کرد که گویی توان پاسخ‌گویی به تمام نیازها و مشکلات را دارد. در طول رقابت انتخاباتی، گفتمان اعتدال با بخشیدن وجهی استعاری و عام به دال‌هایش توانست نیروهای اجتماعی را حول گفتمان خویش گردآورد. چنین موفقیتی، این گفتمان را قادر ساخت ذهنیت‌های اجتماعی را تسخیر کند و با بدل شدن به تصور اجتماعی، منزلتی هژمونیک یابد.

منابع

الف - فارسی

- امینی، پرویز، (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی سیاسی انتخابات و پس انتخابات یازدهم*، نسخه الکترونیک، برگرفته از وبگاه: <http://parvizamini.ir>.
- بروجردی علوی، مهدخت و دهقان، مجید، (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در برنامه اتاق خبر تلویزیون من و تو»، *فصلنامه مطالعات انتخابات*، پاییز و زمستان، شماره‌های ۵ و ۶.
- بهرام‌پور، شعبان‌علی، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر تحلیل گفتمان*، تهران: فرهنگ گفتمان.
- حسینی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۸۳)، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۸.
- خلجی، عباس، (۱۳۸۸)، «بنیاد نظری فروپاشی اجماع در گفتمان اصلاح‌طلبی»، *فصلنامه سیاست*، دوره سی و نهم، شماره ۱.
- دارابی، علی، (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی انتخابات یازدهم؛ تحلیلی بر فضای انتخابات ریاست جمهوری و رفتار رأی‌دهی ایرانیان*، تهران: انتشارات همشهری.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و رادفر، فیروزه، (۱۳۸۸)، «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی*، زمستان، شماره ۱۰.
- سلطانی، علی‌اصغر، (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نی.
- عضدانلو، حمید، (۱۳۷۵)، «درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره‌های ۱۰۳ و ۱۰۴.
- کسرای، محمدسالار، (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موف ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، *مجله سیاست*، شماره ۳۹.
- گیبینز، جان و ریمر، آر، (۱۳۸۴)، *سیاست پست‌مدرنیته*، ترجمه منصور انصاری، تهران: گام نو.
- لاکلا، ارنست و موف، شانتال، (۱۳۹۲)، *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی؛ به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال*، ترجمه محمد رضایی، تهران: ثالث.
- مارش، دیوید و استوکر، جری، (۱۳۸۶)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مقدمی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، *نشریه معرفت*

فرهنگی/اجتماعی، سال دوم، بهار، شماره ۲.

- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز، (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

ب- منابع اینترنتی

- امینی، پرویز، (۸/۴/۱۳۹۲)، گفت و گو «جامعه‌شناسی انتخابات و علت پیروزی روحانی، برگرفته از سایت خبری به آدرس: <http://jahannews.com/vdcirwarqt1a3y2.cbct.html>

- روحانی، حسن، (۱۳/۳/۱۳۹۲)؛ برنامه گفت و گو با شبکه خبر، برگرفته از سایت:

http://rouhani.ir/event.php?event_id=66.

_____، (۱۳۹۲/۳/۱۸)، همایش تدبیر و امید در سالن شهید افراسیابی ورزشگاه شهید شیرودی، برگرفته از سایت:

http://rouhani.ir/event.php?event_id=7.

_____، (۲۰/۳/۱۳۹۲)، ورزشگاه آهن دوست ارومیه، برگرفته از سایت:

http://rouhani.ir/event.php?event_id=7.

- _____، (۲۸/۱۱/۱۳۹۱)، «ریاست جمهوری جای کارآموزی نیست»، روزنامه اعتماد، شماره ۲۶۱۸.

- _____، (۲۲/۳/۱۳۹۲)، مسجد جامع گلشن گرگان، برگرفته از سایت:

http://rouhani.ir/event.php?event_id=8.

_____، (۲۳/۲/۱۳۹۲)، دانشگاه صنعتی شریف، برگرفته از سایت:

http://rouhani.ir/event.php?event_id=5.

_____، (۱۶/۳/۱۳۹۲)، در برنامه رویکردها و برنامه‌ها در شبکه چهارم سیما، برگرفته از سایت:

http://rouhani.ir/event.php?event_id=7.

_____، (۸/۳/۱۳۹۲)، در برنامه با دوربین سیما شبکه یک، برگرفته از سایت:

http://rouhani.ir/event.php?event_id=5.

_____، (۱۵/۳/۱۳۹۲)، در برنامه مناظره دوم با موضوع فرهنگی، برگرفته از سایت:

<http://irinn.ir/news/1817>.

_____، (۲۱/۳/۱۳۹۲)، در برنامه رادیو جوان، برگرفته از سایت:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920321001172>.

_____، (۱۹/۳/۱۳۹۲)، دیدار با مردم رشت، برگرفته از سایت:

<http://www.isna.ir/fa/news/92031910607>

_____، (۱۳۹۲/۳/۹)، در برنامه انتخاب ایرانی در شبکه جام‌جم، برگرفته از سایت:

http://rouhani.ir/event.php?event_id=58.

_____، (۱۳۹۲/۳/۲۰)، در برنامه رادیو ایران، برگرفته از سایت:

<http://www.asriran.com/fa/news/278870> .

_____، (۱۳۹۲/۳/۱۷)، برنامه مناظره سوم با موضوع سیاست داخلی و خارجی،

برگرفته از سایت:

<http://www.irinn.ir/news/18322/>.

سایت تحلیلی عصر ایران (۱۳۹۲/۳/۲۶)، «۸ نفری که در پیروزی روحانی مهم‌ترین نقش را

داشتند»، برگرفته از سایت:

<http://www.asriran.com/fa/news/279926>.

عسگری، علی، (۱۳۹۲/۷/۴۹۲)، در مصاحبه با خراسان: «ناطق‌نوری پشت صحنه ماندن ولایتی و

کنار رفتن عارف بود»، برگرفته از سایت:

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/251842>.

میرلوحی، مصطفی، (۱۳۹۲/۶/۳۱)، گفت‌وگو؛ «ناگفته‌های حجت‌الاسلام میرلوحی از

ائتلاف اصولگرایان و تلاش‌های آیت‌الله مهدوی»، برگرفته از سایت:

<http://www.tasnimnews.com/Home/Single/83027>.

نمودار نتایج نظرسنجی در شهر تهران، برگرفته از سایت:

<http://azadie.ir/1392/03>.

ج - انگلیسی

- De-Vos (2003), "Discourse Theory and the Study of Ideological", *Quarterly Publication of the International Pragmatics Association (IPrA)*, Volume 13, Issue 1.

- Fairclough, N, (1995), *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, London and New York: Longman.

- Foucault, M, (1989), *The Archaeology of Knowledge*, Translated by A. Sheridan, London: Routledge.

- Howard, D. Noarval, A, Stavrakakis, G, (2000), *Discourse Theory and Political Analysis*, Manchester: Manchester University Press.

-
- Jorgensen, M. and Phillips L, (2002), *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: Sage Publications, London, Thousand Oaks, New Delhi.
 - laclau, E& Mouffe.C, (1985), *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics* London: Verso.
 - Laclau, E, New, (1990), *Reflections on the Revolution of our Time*, London: Verso.
 - Van dijk, Teun A, (1998), "Social Cognition and Discourse", in H. Giles & R. P. Robinson, *Handbook of Social Psychology and Language*, The Netherlands: University of Amsterdam.
 - Zizek, E, (1990), "Beyond Discourse Analysis", in Laclau, E., *New Reflections on the Revolution of our Time*, London: Verso.

